**تمرین نشست ویرایش متون دینی، دفتر ویراستاران، سه‌شنبه ۱۴آبان۱۳۹۸**

**برنامۀ نشست: ویرایش متن تمرینی**

امام باقر علیه‌السّلام بیان فرمودند که پیامبر اکرم صلّی الله و علیه و آله و سلّم در هنگام رفتن از دنیا فرمودند: یَا أَيُّهَا النَّاسُ وَ اللَّهِ مَا مِنْ شَيْ‏ءٍ يُقَرِّبُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ وَ يُبَاعِدُكُمْ مِنَ النَّارِ إِلَّا وَ قَدْ أَمَرْتُكُمْ بِهِ وَ مَا مِنْ شَيْ‏ءٍ يُقَرِّبُكُمْ مِنَ النَّارِ وَ يُبَاعِدُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَّا وَ قَدْ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ‏. هیچ چیزی نبود که شما را به بهشت نزدیک کند و از جهنم دورتان کند مگر این‏که من به شما امر کردم که آن را انجام دهید و آنچه شما را به جهنم نزدیک می‏کرد و از بهشت دورتان می‏نمود از آن نهی‏تان کردم و اصلاً معنای خاتمییت پیامبر اکرم صلّی الله و علیه و آله و سلّم همین است.

یکی از مشکلات بزرگی که نصیب جامعه­ی ما شده، اضطرابات و نگرانی‌هایی است که افراد نسبت به آینده­ی خود، شغل خود، ازدواج خود و مسائل دیگر زندگی خود دارند و بعضی نیز با مراجعه به پزشکِ روان‌شناس و مصرف دارو انتظار دارند نگرانی‌هایشان برطرف شود. در حالی که تکیه و اعتماد به خداوند موجب آرامش و اطمینان انسان می­شود. در روایت آمده است صبح و شب گفتن این ذکر را ترک نکنید که از دعی مخزون است: «**اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي دِرْعِكَ الْحَصِينَةِ الَّتِي تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ تُرِيدُ». عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السّلام قَالَ: «لَا تَدَعْ أَنْ تَدْعُوَ بِهَذَا الدُّعَاءِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ إِذَا أَصْبَحْتَ وَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ إِذَا أَمْسَيْتَ- اللَّهُمَ‏ اجْعَلْنِي‏ فِي‏ دِرْعِكَ‏ الْحَصِينَةِ الَّتِي تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ تُرِيدُ فَإِنَّ أَبِي علیه‌السّلام كَانَ يَقُولُ هَذَا مِنَ الدُّعَاءِ الْمَخْزُونِ**»؛ «خواندن اين دعا را وا مگذار، سه مرتبه چون صبح كنى و سه مرتبه چون شام كنى: خداوندا! قرار ده مرا در زره خود كه استوار است. آن زرهى كه قرار مى‏دهى در آن، كسى را كه مى‏خواهى، پس به درستى كه پدرم عليه السّلام مى‏فرمود كه: اين از دعاى مخزون است» اصول‌كافي (ط -الإسلامية)/ج‏2/ص534. انسان با ایمان می­تواند با گفتن این ذکر به خداوند اعتماد کند و تکیه‌گاه خود را فقط خدا بداند.

**سخنرانی سید حسن نصرالله در روز اربعین (۱۴دی۱۳۹۱)**

**بعلبک**

**بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا خاتم النبيين أبي القاسم محمد بن عبدالله، وعلى آله الطيبين الطاهرين، وصحبه الأخيار المنتجبين، وعلى جميع الأنبياء والمرسلين. السادة العلماء، السادة النواب، الأخوة والأخوات، السلام عليكم جميعاً ورحمة الله وبركاته.**

**«السلام عليك يا سيدي ومولاي، يا أبا عبدالله الحسين، يا ابن رسول الله، وعلى الأرواح التي حلّت بفنائك وأناخت برحلك، عليكم منا جميعاً سلام الله أبداً ما بقينا وبقي الليل والنهار، ولا جعله الله آخر العهد منا لزيارتكم. السلام على الحسين وعلى علي ابن الحسين وعلى أولاد الحسين وعلى أصحاب الحسين.»**

 **عندما ننظر إلى تلك الملايين المجتمعة والمحتشدة حول ضريح أبي عبدالله الحسين عليه السلام وأخيه أبي الفضل العباس عليه السلام في مدينة كربلاء اليوم وخلال هذه الساعات نعرف مَن المنتصر  في تلك المعركة ومَن كان الغالب وأي منطق هو الذي سجل لنفسه خلوداً، هل منطق "كد كيدك واسعَ سعيك وناصب جهدك فوالله لن تمحو ذكرنا ولا تميت وحينا" هو الذي انتصر أو منطق "لعبت هاشم بالملك فلا خبر جاء ولا وحي نزل" هو الذي انتصر، يعني منطق زينب أو منطق يزيد، منطق الحسين أم منطق يزيد، منطق الإسلام أم منطق الجاهية، مشروع الإسلام أم مشروع الجاهلية.**

امروز وقتی در چهره‌های شما می‌نگریم پی می‌بریم که سال 61 در کربلا چه کسی پیروز شد و غلبه کرد. وقتی به چهره‌ها، اراده، جمعیت، پایبندی، عزم و حضور شما و جمعیت میلیونی گردآمده در اطراف ضریح اباعبدالله الحسین (علیه السلام) و برادرش ابی الفضل العباس (علیه السلام) در شهر کربلا و در این ساعت‌ها می‌نگریم پی می‌پردیم که در آن نبرد چه کسی پیروز شد و فائق آمد و کدام منطق خود را جاودانه ساخت. آیا منطق «كد كيدك وإسعی سعيك و ناصب جهدك فوالله لا تمحو ذكرنا ولا تميت وحينا» بود که پیروز شد یا منطق «لعبت هاشم بالملك فلا/ خبر جاء ولا وحي نزل؟» پیروز شد؟ یعنی منطق زینب یا منطق یزید؟ منطق حسین یا منطق یزید؟ منطق اسلام یا منطق جاهلیت؟ پروژه‌ی اسلام یا پروژه‌ی جاهلیت؟

**اليوم ما نشهده على امتداد العالم وما شهدناه على امتداد القرون يؤكد مَن الغالب الذي تحدث عنه إمامنا زين العابدين عليه السلام قائد موكب الأحزان والإباء والعزم والأرادة والوفاء عندما دخل إلى المدينة وسأله شامت وقال له: من الغالب؟  فقال عليه السلام ما مضمونه: إذا سمعت الأذان عرفت من الغالب، إذا سمعت الأذان يصدح بـ "أشهد ان لا إله الا الله وأشهد أن محمداً رسول الله" صلى الله عليه وآله وسلم عرفتَ من هو الغالب.**

آن‌چه امروز در عرض جهان و طول تاریخ می‌بینیم تأکید می‌کند پیروز چه کسی است. امام‌مان زین العابدین (علیه السلام)، رهبر کاروان غم‌ها، بزرگ‌منشی‌ها، عزم، اراده و وفا در این باره برایمان صحبت کرده. وقتی ایشان وارد مدینه می‌شود و یکی از افرادی که از غم ایشان شاد بوده می‌پرسد: چه کسی پیروز شد؟ و ایشان (علیه السلام) به این مضمون می‌فرماید که: اذان را که بشنوی، خواهی فهمید چه کسی پیروز شد. ندای اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمد رسول الله اذان را که بشنوی، خواهی فهمید پیروز چه کسی است.

**واليوم أيضاً نعرف من هو الغالب عندما نسمع اسم محمد رسول الله يُصدح به من على المنابر والمآذن والفضائيات والإذاعات خمس مرات في اليوم على امتداد المعمورة نعرف أن الدم انتصر على السيف في كربلاء، وأن مشروع الحسين حفيد محمد هو الذي انتصر في سنة 61 للهجرة، وأن السبايا وزين العابدين، أن الرؤوس المرفوعة على الرماح والنساء المقيّدات بالسلاسل اللاتي جيء بهنّ على مسافة طويلة إلى بعلبك ومنها إلى دمشق الشام هو الغالب وهو المنتصر وهو الحاضر.**

امروز نیز وقتی نام محمد پیامبر خدا را روزی پنج بار در پهنه‌ی زمین از منبرها، مناره‌ها، شبکه‌های ماهواره‌ای و رادیوها می‌شنویم می‌فهمیم چه کسی پیروز شد. می‌فهمیم در کربلا خون بود که بر شمشیر پیروز شد و پروژه‌ی حسین، نوه‌ی محمد و اسیران، زین العابدین، سرهای به نیزه رفته و زنان زنجیر شده که این مسافت طولانی را تا بعلبک و سپس دمشق شام آورده شدند بود که در سال 61 هجری پیروز شد، غالب آمدند و باقی ماندند.

**نحن اليوم، من خلال هذا الإحياء، نؤكد هذا المعنى، معنى حياة هذا المشروع، حياة هذه الأمة، حياة هذا الدين، كما نعبر عن وفائنا وشكرنا واعترافنا بالجميل لرسول الله، لأهل بيت رسول الله، لصحابة رسول الله، للشهداء مع الحسين في كربلاء، الذين ـ بتضحياتهم ـ حفظوا لنا هذه الرسالة الإلهية وأوصلوها عبر الأجيال لنكون في هذا الزمن من المؤمنين بها، الملتزمين بها، العاملين بها، والتي نصنع بها انتصاراتنا وأمجادنا وحاضرنا ومستقبلنا ووحدة أمتنا وكرامة شعوبنا.**

ما امروز از طریق این بزرگداشت بر این مسأله تأکید می‌کنیم. مسأله‌ی حیات این پروژه، امت و دین. همچنان که مراتب وفاداری، تشکر و قدردانی‌مان را از پیامبر خدا و اهل بیت و صحابه‌ی ایشان و شهیدان همراه حسین در کربلا اعلام می‌کنیم. کسانی که با فداکاری‌هایشان این رسالت الهی را برای ما حفظ کردند و آن را از دل نسل‌ها به ما رساندند تا در این دوران به آن باورمند، پایبند و عامل باشیم و با آن پیروزی‌هایمان، بزرگی‌مان، امروز و فردایمان، وحدت امت و کرامت ملت‌هایمان را بنا کنیم.

**أيها الأخوة والأخوات: أهمية الإحياء لهذه المناسبة الجليلة والعظيمة، خصوصا هذه الأعوام، لها دلالة خاصة، كما كان يحصل في بعض مراحل التاريخ.**

**اليوم (فيما يتعلق بـ ) المشي إلى كربلاء، الإنسان يمشي وهو في معرض التهديد والتفجير والعمليات الانتحارية والمجازر والقتل الجماعي من خلال هذا النهج التكفيري التقتيلي الذي تستخدمه اليوم أمريكا لصنع فتنة دامية بين أبناء هذه الأمة ومختلف طوائفها ومذاهبها، ولكن هل استطاعت التفجيرات والعمليات الانتحارية خلال سنوات أن تحول دون أن يعبّر هذا العشق للحسين ولجد الحسين عن نفسه بمسير الملايين مشياً على الأقدام إلى ضريح أبي عبدالله الحسين عليه السلام؟**

برادران و خواهران، بزرگداشت این مناسبت بزرگ -مخصوصا این سال‌ها و مانند برخی مراحل تاریخ- معنای خاصی دارد. امروز کسی که پیاده به کربلا می‌رود از طریق این تفکر تکفیری کشتارگر در معرض تهدید، انفجار، عملیات انتحاری، جنایت و کشتار دسته‌جمعی است. تفکری که از طرف آمریکا برای ایجاد فتنه‌ی میان امت و طائفه‌ها و مذاهب مختلف آن به کار گرفته می‌شود. ولی آیا انفجارها و عملیات‌های انتحاری این سال‌ها توانسته‌اند نگذارند این عشق به حسین و به جد حسین در قالب پیاده‌روی میلیون‌ها نفر به سمت ضریح ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) خود را بروز دهد؟